

به شعبه دیگر دادگاه ارجاع خواهد شد دادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیئت عمومی دیوانعالی کشور حکم مقتضی صادر و این حکم قطعی است .
تبصره - قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه گانه مذکور در ماده ۱۸ نباشد .

● ماده ۲۵ - جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است :

۱- ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت ، در شهود .

۲- ادعای مخالف بودن رأی با قانون

۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادر کننده رأی .

۴- ادعای عدم توجه قاضی به دلائل یا مدافعات .

□ تبصره - اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده بعمل آمده باشد مرجع تجدیدنظر در صورت وجود جهتی دیگر می تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید .

۱۴ - عبارت زیر به عنوان بند ج به قسمت ۲ ماده ۲۶ الحاق می گردد: (۲۵)

ج - دادستان از حکم براءت یا محکومیت غیرقانونی متهم .

● ماده ۲۷- مهلت درخواست تجدیدنظر در موارد مذکور در ماده ۱۹ برای اشخاص ساکن ایران ۲۰ روز و برای کسانی که خارج از کشور می باشند ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رأی می باشد .

● ماده ۲۸- متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست و یا درخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادر کننده رأی و یا دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید .

مدیر دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوی و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست یا درخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قید نماید .

این تاریخ ، تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می گردد .

دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به

دادگاه صادر کننده رأی ارسال نماید دفتر دادگاه صادر کننده رأی در صورتی که تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی باشد پس از تکمیل پرونده بلافاصله آنرا به مرجع تجدیدنظر ارسال می دارد .

□ تبصره ۱- دادگاه باید در ذیل رأی خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رأی و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید .

□ تبصره ۲- هرگاه نزد دادگاه تجدیدنظر ثابت شود که به علت قوه قهریه امکان استفاده از حق تجدیدنظر خواهی در مهلت های مقرر نبوده است ، ابتدای



۲۵- ماده ۲۶- در موارد مذکور در این قانون اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر را دارند :

۱- در مورد احکام حقوقی :

هر یک از طرفین دعوا یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنان مانند وراث ، وصی ، انتقال گیرنده که از رأی دادگاه متضرر می شود .

۲- در مورد احکام کیفری :

الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی او .

ب- شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او . (رأی وحدت رویه ۶۱۴- ۱۳۷۵/۱۱/۳۰ : نظر به اینکه بند (ب) از فراز ۲ ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۲ برای شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او حق درخواست تجدیدنظر از احکام کیفری دادگاههای عمومی قائل شده است و این حق علی الاطلاق شامل اعتراض به حکم براءت یا محکومیت هر دو می باشد و نظر به اینکه دادگاههای تجدیدنظر مرکز استان به موجب صدر ماده ۲۲ قانون مزبور تنها به اموری که قانوناً در صلاحیت آنان قرار گرفته رسیدگی می نمایند و بدیهی است که این امور شامل موارد مفصله در ذیل ماده (۲۱) قانون مرقوم نمی گردد علی هذا رأی شعبه بیستم دیوانعالی کشور که بر این مبنا اصدار یافته و به درخواست تجدیدنظر شاکی خصوصی از حکم براءت متهم به ارتکاب لواط رسیدگی و اظهارنظر نموده منطبق با موازین قانونی تشخیص می گردد .)

۳- در مورد قرارها : هر یک از طرفین دعوی که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده باشد یا نماینده قانونی آنان .